

۳-۱- مقدمه

غالب پدیده‌های تاریخی که پس از گذشت زمان در صفحات تاریخ ثبت می‌شوند، دچار تغییرات و احیاناً تحریفات می‌شوند و اقوال و آرای متفاوت، و گاه متضاد، آن را قضاوت می‌نمایند. اگر این ادعا به شکل موجهی کلیه درست نباشد، شاید، بتوان گفت، کم‌تر واقعه‌ی تاریخی است که در قالب تواتر تاریخی بگنجد و اتفاق آرا آن را دربرگرفته باشد.

وقایعی که به ادیان و مذاهب مربوطاند و هاله‌ای از قداست و یا اسطوره آن را فراگرفته، بیشتر دچار این مشکل خواهند بود و مورخان برای دستیابی به واقعیت، راه صعب‌العبورتری در پیش خواهند داشت و لاجرم به‌جای نقل تاریخ، به اجتهاد در تاریخ دست خواهند زد. آن‌چه که مشکل ما را در شناخت وقایع دینی مضاعف می‌سازد، این است که منقولات و مقولات دینی، گاه گرفتار ذهن متعصبان و غالیان می‌شود و گاه ملحدان و منافقان برای انکار و امحای حقیقت، بذر تحریف و تغییر می‌پاشند.^۱

نکته قابل‌ذکر آن است که با توجه به تعریفی که از تحریف ارائه خواهیم داد، در این نوشته آسیب را در معنای تحریف به‌کار گرفته‌ایم و این دو را دارای بار مفهومی یکسان و بدیل یکدیگر دانسته‌ایم. نکته‌ی دیگر این است که آسیب‌شناسی مدّاحی، نمی‌تواند جدا از آسیب‌های متوجّه شعائر و مناسک دینی باشد و تحلیلش، در درون آن قالب کلی میسر است.^۲

۳-۲- تعریف تحریف

تحریف در زبان عربی از ماده‌ی «حرف» است، یعنی منحرف کردن چیزی از مسیر و وضع اصلی خود که داشته است یا باید داشته باشد. به عبارت دیگر، تحریف نوعی تغییر و تبدیل است، ولی تحریف مشتمل بر چیزی است که کلمه «تغییر» و «تبدیل» نیست. شما اگر کاری بکنید که جمله‌ای،

۱. به کوشش مجمع مدرّسین و محققین حوزه علمیه قم، عاشورا- عزاداری- تحریفات، ص ۷

۲. علی، آقاجانی قناد، با تخلیص و کمی ویرایش از بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام، ص ۵۷

یک نامه‌ای، یک شعری، یک عبارتی آن مقصودی را که باید بفهماند، نفهماند، یک مقصود دیگری را بفهماند، این جا می‌گویند شما این عبارت را تحریف کرده‌اید. مثلاً شما گاهی یک مطلبی را یا حرفی را به یک نفر می‌گویید، بعد آن شخص سخن شما را در جای دیگری نقل می‌کند، بعد کسی به شما می‌گوید که فلانی از قول تو چنین چیزی نقل کرد، شما می‌بینید آن چه که شما گفته‌اید با آن چه که او نقل کرده خیلی متفاوت است، او در سخنان شما کم و زیاد کرده است، قسمتی از گفته‌های شما را که مفید مقصود شما بوده است حذف کرده است و یک قسمت‌هایی از خودش به آن‌ها افزوده است، و در نتیجه سخن شما مسخ شده و چیز دیگری از آب در آمده است. آن وقت شما می‌گوئید: «خیر من گفته‌ام، اما این آدم حرف مرا تحریف کرده است». مخصوصاً اگر کسی در سندهای رسمی قلم ببرد، دست ببرد، می‌گویند که تحریف کرده است. کلمه‌ی «تحریف» بیش از این احتیاج به توضیح ندارد.^۱

۳-۲-۱- انواع تحریف

تحریف انواعی دارد و از همه مهم‌تر این است که تحریف یا لفظی است و یا معنوی. تحریف لفظی این است که ظاهر یک چیز را عوض کنند. مثلاً شخصی سخنی به شما گفته است، شما یک چیزی از گفته‌ی او کم کنید، یا یک چیزی روی گفته‌ی او بگذارید، و یا جمله‌های او را پس و پیش کنید که معنی‌اش فرق کند. بالأخره در ظاهر و در لفظ سخن او تصرف کنید.^۲ گاهی خیانت‌کارانی پیدا می‌شوند که در آثار دیگران دست می‌برند، چیزی را کم می‌کنند و یا چیزی بر آن می‌افزایند. کم‌تر کتاب قدیمی است که از دست تجاوز تحریف‌کاران مصون و محفوظ مانده باشد؛ حتی به دیوان‌های شاعران دست برده‌اند؛ اشعاری برداشته‌اند و یا بر آن افزوده‌اند و یا جمله‌ای یا کلمه‌ای را تغییر داده‌اند به طوری که برای محققین بعدی موجب اشکال شده است. این گونه تحریف، «تحریف لفظی» است.^۳

تحریف معنوی این است که شما در لفظ تصرف نمی‌کنید، لفظ همین است که هست، ولی این لفظ را طوری می‌شود معنی کرد که همان معنی صاف و راست و مستقیم آن است، مقصود گوینده

۱. مرتضی، مطهری، حماسه‌ی حسینی، ج ۱، چاپ شصت و هفتم، تهران، انتشارات صدرا، بهمن ۱۳۸۹، ص ۵۶

۲. همان، ص ۵۷-۵۶

۳. مرتضی، مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ج ۱، چاپ سی‌ام، تهران، انتشارات صدرا، اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۲۴۱

هم همین بوده است، و طور دیگری می‌توان معنی کرد که خلاف مقصد و مقصود گوینده است. وقتی که می‌خواهید این کلام را برای او شرح بدهید آن را طوری معنی می‌کنید که مطابق مقصود خود شما باشد نه مطابق مقصد اصلی گوینده. این را می‌گویند «تحریف معنوی».^۱

قرآن کریم تحریف را یکی از شاخصه‌های قوم یهود و به ویژه عالمان و پیشوایان آنان برمی‌شمارد؛ چنان‌چه درباره‌ی آن‌ها می‌فرماید:

«وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ با آن که گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند.^۲

در جای دیگر می‌فرماید:

«...يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ»؛ ...کلمات خود را از جای خود تغییر می‌دادند و از بهره‌ی آن کلمات که به آن‌ها داده شد نصیب بزرگی را از دست داده‌اند.^۳

۳-۳- آسیب‌ها و نبایدها

بزرگ‌ترین گناهان این است که انسان بدعت‌ها را به‌جای امور مستحب گرفته و یا امور مستحبی را بدعت وانمود کند. از طرفی چون شیطان و یارانش همیشه در صدد ترویج امور منکر و زشت هستند و در هر مورد راه بخصوص آن را خوب می‌شناسند مردمان دین‌دار را نیز از راه دین گول‌زده و از راه در می‌برند و این خود بهترین راه گمراه کردن مردم است و کمتر عبادت و سنتی هست که شیطان با وسواس خود در آن دخالت نکرده آن را فاسد ننموده باشد. از جمله این امور^۴ محافل و مجالس مذهبی می‌باشند که چشمه‌های زلال جوشانی هستند و باید از آن‌ها به شدت مراقبت و محافظت شود تا آفت و آسیبی نبیند و به درستی بتواند رسالت خود را انجام داده و تشنگان حقیقت را از

۱. مرتضی مطهری، حماسه‌ی حسینی، ج ۱، ص ۵۶

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۷۵

۳. سوره مائده (۵)، آیه ۱۳

۴. محسن، امین، هفت مقاله به انضمام عزاداری‌های نامشروع (رساله‌ی التّزیه فی اعمال الشّبهه)، ترجمه‌ی جلال آل‌احمد، چاپ اول، تهران، انتشارات ژکان، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵

اَقیانوس کران ناپیدای معارف اهل بیت علیهم السلام سیراب نمایند و بر شیعیان و محبین امام علی علیه السلام لازم است که این هشدار سازنده و راه‌گشای حضرتش که «لکلّ شیء آفة»؛ برای هر چیزی آفتی است را جدی گرفته و غفلت و کوتاهی نکنند، چرا که غفلت از این هشدار حضرت می‌تواند آفت یا آفاتی را متوجّه هر چیز سازنده و ارزشمندی کند، تا جایی که نه تنها سازندگی آن امر ارزشمند را با مانع روبرو سازد، و به چیز مخرب و مضرّی تبدیل نماید؛ پس این مجالس که نقطه قوت اسلام است مطمئناً مرکز توجّه دشمنان برای آسیب زدن به انقلاب و اسلام به هر شکل ممکن است آنچه مشخص است جنگ فرهنگی دشمن امروز متأسفانه دامن‌گیر ستون فرهنگی ما که هیئت‌های اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً مدّاحی شده است پس برای انجام این رسالت الهی و انسانی گام اول آن است که آسیب‌ها و نبایدهایی که مولود جهل و جمود و تسامح و قصور و غفلت است و مجالسمان را به بیراهه می‌کشاند بشناسیم و سپس با صبر و استقامت و حوصله و شجاعت، مدّاحی‌ها را نسبت به چنین آفاتی رفع و دفع نماییم.^۱ این آسیب‌ها در دو بخش «ظاهری و شکلی» و بخش «محتوایی» است که عبارت‌اند از:

۳-۳-۱- آسیب‌های محتوایی

۳-۳-۱-۱- روضه‌های ساختگی و دروغ و بی‌اساس و استفاده از مدارک غیر معتبر

از آسیب‌هایی که بعضاً در هیئات مذهبی دیده می‌شود، روآوردن به روضه‌های ساختگی و من درآوردی به انگیزه‌ی ایجاد تأثیر عاطفی و گُل کردن بیشتر مجلس می‌باشد و چون ساختگی و کذب و دروغ می‌باشد، گویندگان آن مبتلا به فعل حرام شده و به آسیب‌های معنوی و اخروی گرفتار خواهد شد.

با وجود مقاتل و کتاب‌های روضه‌ی معتبر، نظیر «ارشاد مفید» و «لهوف» و «منتهی الآمال» و «نفس المهموم» روآوردن به روضه‌های ساختگی، خسرانی است مبین و نشان از آن دارد که افرادی این چنین، نمی‌خواهند مجلس حضرت سیدالشهدا علیه السلام گُل کند، بلکه در پی آنند تا خود را مطرح

۱. جعفر، صالحانی، با کمی ویرایش از رساله‌ی شور و شعور حسینی، ص ۱۵-۱۴

کرده و آوازه‌ی مجلس‌شان بر سر زبان‌ها بیفتد، و برای چنین افرادی دیگر فرق نمی‌کند که آن‌چه می‌خوانند و ترویج می‌دهند حقیقت داشته باشد یا نه؟! چون هدفشان، هدف مقدسی نمی‌باشد.^۱

مطهری برخی روضه‌های معروف از جمله عروسی قاسم،^۲ حضور لیلا در کربلا و نذر ریحان کاشتن او،^۳ آب خواستن امام حسین علیه‌السلام در پای منبر حضرت علی علیه‌السلام،^۴ بریدن انگشت حضرت سیدالشهدا و به تاراج بردن انگشترش،^۵ زعفر جَنّی و حکایات مبالغه‌آمیز در تعدد سربازان و تلفات سپاه یزید را به عنوان مصادیقی از تحریفات لفظی برمی‌شمرد. و انگشت اتهام را به سوی علما، روضه‌خوانان و مردم می‌رود.^۶

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«این‌طور نباشد که وقتی بالای منبر می‌رویم، یک مقدار لفاظی کنیم و حرف بزیم و اگر احیاناً مطلبی هم ذکر می‌کنیم، مطلب سستی باشد که نه فقط ایمان‌ها را زیاد نمی‌کند، بلکه به تضعیف ایمان مستمعین می‌پردازد. اگر این‌طور هم شد، ما از جلسات مذکور به فواید و مقاصد مورد نظر نرسیده‌ایم.

متأسفانه باید عرض کنم که گاهی چنین مواردی دیده می‌شود. یعنی بعضاً گوینده‌ای در یک مجلس به نقل مطلبی می‌پردازد که هم از لحاظ استدلال و پایه مدرک عقلی یا نقلی سست است و هم از لحاظ تأثیر در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطق و استدلال، ویران‌گر است. مثلاً در یک کتاب، بعضی مطالب نوشته شده است که دلیلی بر کذب و دروغ بودن آن‌ها نداریم. ممکن است راست باشد، ممکن است دروغ باشد. اگر شما آن مطالب را بیان کنید - ولو مسلم نیست خلاف واقع باشد - و با شنیدن آن‌ها برای مستمعان، که جوان دانشجو یا محصل یا رزمنده و یا انقلابی است - و بحمدالله، انقلاب ذهن‌ها را باز و منفتح کرده است - نسبت به دین، سؤال و مسأله ایجاد می‌شود و اشکال و عقده به وجود می‌آید، نباید آن مطالب را بگویید. حتی اگر سند درست هم داشت؛ چون موجب گمراهی و انحراف است، نباید نقل کنید؛ چه رسد به این که اغلب این مطالب مندرج در بعضی کتاب‌ها، سند درستی هم ندارد. یک نفر از زبان دیگری، مطلبی را مبنی بر این می‌شنود که

۱. جعفر، صالحانی، با کمی ویرایش از رساله‌ی شور و شعور حسینی، ص ۳۴-۳۳

۲. محمد، صحتی سردودی، تحریف‌شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین علیه‌السلام، چاپ سوم، تهران، انتشارات بین‌الملل، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۸۲

۳. مرتضی، مطهری، حماسه‌ی حسینی، ج ۱، ص ۶۵

۴. میرزا حسین، نوری، لؤلؤ و مرجان، ص ۳۰۱

۵. محمد، صحتی سردودی، تحریف‌شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین علیه‌السلام، ص ۲۶۷

۶. محسن، حسام مظاهری، رسانه‌ی شیعه، ص ۱۹۵

اخلاق و حتی صدای کاملاً مناسب، که بیش تر به دلیل داشتن اندک صدایی برای اجرای برنامه‌های مدّاحی شورآفرین، به وسیله‌ی دستگاه‌های مدرن صوتی، در جامعه مطرح می‌شوند که بیش تر هم تقلید نوارهای مدّاحی است. بنابراین، محتواگرایی استادمحورانه گذشته که آن نیز دچار آسیب‌های جدّی بود، جای خود را به شورآفرینی نوارمحورانه داده است.

به‌ویژه آن‌که امروزه با پدیده‌ی جدیدی به نام «نوار استادی» مواجهیم که به واسطه‌ی آن، نوارهای مدّاحی و عزاداری، جای استادان را گرفته است. هم چنین مسأله مصیبت بار دیگر، آن است که نوارهای برخی از این مدّاحان، به صورت کتاب برگردانده شده و در اختیار مدّاحان جوان و روضه‌خوانان قرار گرفته است که با کمال تأسف، گاه مورد توجه و استقبال پاره‌ای طلبان جوان، به‌ویژه در هنگام مناسبت‌های تبلیغی قرار می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد باید از ادامه‌ی این روند در آینده، به شکل جدّی ابراز نگرانی کرد.^۱

۳-۴-۱-۲- دوری از عالمان دینی و روحانیت

عالمان دینی، محور فعالیت‌های دینی و آبشخور اصلی ترویج مفاهیم آن هستند. بنابراین، هر چه جامعه، ارتباط کم‌تری با عالمان دین داشته باشد، به همان نسبت می‌توان گفت که از آموزه‌های دینی فاصله می‌گیرد. یکی از عواملی که به‌نظر می‌رسد امروزه تا حدود زیادی در رشد آسیب‌های عزاداری مؤثر است، کم‌رنگ شدن ارتباط میان برخی مردم و جوانان، به‌ویژه مدّاحان و برگزارکنندگان مجالس، با اندیشمندان و آگاهان دینی و روحانیت است. به همین دلیل، نظرات اصلاحی این اندیشمندان به درستی منتقل نمی‌شود یا ظرفیت چندانی برای پذیرش دیدگاه‌های اصلاحی آنان وجود ندارد. این مسأله عوامل متعدّدی دارد. یکی از عوامل آن، رسوب تفکرات ناپیراسته در میان پاره‌ای از مردم است. نقل شده که آیت‌الله العظمی بروجردی رحمه‌الله‌علیه در یکی از سال‌ها تعدادی از سران هیأت‌ها را به منزل خود دعوت کرد و از آن‌ها خواست که برخی اعمال را در عزاداری انجام ندهند، ولی آن‌ها در

۱. علی، آقاجانی قناد، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام، ص ۱۳۵-۱۳۲

جواب گفتند که: ما در تمام سال مقلد شما مییم به جز این سه-چهار روز.^۱ مقام معظم رهبری نیز با تأسف از این امر می‌فرمایند:

«دومین عیبی که حوزه‌ها دارند و در گذشته نبوده است، این است که از موجودی انسانی کنونی حوزه، استفاده‌ی بهینه نمی‌شود. همین حالا در همین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، هزاران استعداد برجسته و طلاب فاضل و جوانان خوب وجود دارد که اگر اندکی به آنان توجه شود و در جای خود قرار گیرند و کار بایسته‌ای از آنان خواسته شود و از تضییع وقتشان به زواید، جلوگیری شود، هر کدامشان خواهند توانست بخشی از این خلأ را پر کنند».^۲

و عوامل دیگری نیز وجود دارند که به توضیح آن‌ها نمی‌پردازیم مانند:

اغراض دشمنان،^۳ تبیین نشدن فلسفه‌ی صحیح قیام،^۴ مظلومیت بیش از حد،^۵ تسامح در ادله‌ی سنن،^۶ هدف وسیله را توجیه می‌کند.^۷ دگرگونی فضای اجتماعی و تغییر در گفتمان عاشورا،^۸ تمایل بشر به اسطوره‌سازی،^۹ جبر انگاری،^{۱۰} نقش حکومت‌ها و تاریخ‌نگاران درباری،^{۱۱} تعصب‌های بی‌جا و جمودفکری،^{۱۲} سهل‌انگاری و تسامح منفی در به‌کارگیری روش‌ها،^{۱۳} سکوت یا تأیید نخبگان دینی در

-
۱. مرتضی، مطهری، حماسه‌ی حسینی، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۳
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۷۴.۹.۱۳، www.khamenei.ir
 ۳. مرتضی، مطهری، حماسه‌ی حسینی، ج ۱، ص ۷۵-۷۳
 ۴. علی، آقاجانی قناد، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام، ص ۸۵-۸۴
 ۵. محمد، صحتی سردرودی، تحریف‌شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین علیه‌السلام، ص ۲۲-۲۱
 ۶. همان، ص ۲۵-۲۴
 ۷. همان، ص ۲۶
 ۸. به کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، عاشورا- عزاداری- تحریفات، ص ۳۵۳
 ۹. مرتضی، مطهری، حماسه‌ی حسینی، ج ۱، ص ۷۵-۷۴
 ۱۰. علی، آقاجانی قناد، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام، ص ۹۵-۹۳
 ۱۱. محمد اسماعیل، عبداللّهی، عاشورایی برای عاشورا، ص ۷۹
 ۱۲. علی، آقاجانی قناد، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام، ص ۹۹-۹۸
 ۱۳. به کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، عاشورا- عزاداری- تحریفات، ص ۳۷۱

برابر گفته‌های غلط،^۱ تبدیل شدن عزاداری به عادت،^۲ آمیخته‌شدن فرهنگ‌های قومی و سرزمینی با عزاداری،^۳ ضعف دانش و بینش عمومی^۴

۳-۴-۲- آثار و پی‌آمدهای تحریفات و آسیب‌ها

هرگونه تحریف و انحرافی، آگاهانه یا ناآگاهانه، ابتدا بر لایه‌های سطحی جامعه تأثیر می‌گذارد و سپس لایه‌های زیرین و عمقی آن را دست‌خوش تغییر و تحول می‌گرداند. این آثار گاه چنان رسوب می‌کند و نهادینه می‌شود که جزء فرهنگ‌های عمومی درمی‌آید و اصلاح آن، با واکنش منفی جامعه یا برخورداران از آن خرده فرهنگ مواجه می‌شود. در این‌جا آثار زیان‌بار تحریف و آسیب را برمی-شماریم:^۵

۱- سوءاستفاده دشمنان، خواص و حکومت‌ها^۶ ۲- الگوناپذیر شدن نهضت عاشورا و سیره‌ی امامان علیهم‌السلام^۷ ۳- فرعی شدن مسایل اصلی و اصلی شدن مسایل فرعی^۸ ۴- گسترش دروغ، جعل و غیرعلمی‌ارزیابی شدن تاریخ قیام^۹

۳-۵- ضرورت تحریف‌زدایی

اکنون این سوال پیش می‌آید که چه لزومی دارد که تحریف‌زدایی کنیم؟ جواب این سوال را مقام معظم رهبری چه زیبا فرمودند:

«امروز چه‌قدر مسئله ما داریم؛ نه فقط مسئله‌ی آمریکا و انرژی هسته‌ای، که این‌ها مسائل بسیار مهمی است؛ بلکه امروز تمام مراکز و قطب‌های قدرت فکری و تبلیغات دنیا دارند طراحی می‌کنند که چه‌طور بتوانند این ریشه‌ی ماندگار و محکمی را که در این سرزمین جاگرفته و این ایمان اسلامی، این پابندی به تعهد

۱. محمد اسماعیل عبداللّهی، عاشورایی برای عاشورا، ص ۸۷

۲. علی، آقاجانی قناد، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام، ص ۱۰۶

۳. محمد اسماعیل، عبداللّهی، عاشورایی برای عاشورا، ص ۸۹

۴. به کوشش مجمع مدرّسین و محقّقین حوزه علمیه قم، عاشورا- عزاداری- تحریفات، ص ۳۷۶

۵. علی، آقاجانی قناد، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام، ص ۱۰۷

۶. علی، آقاجانی قناد، بنیادها و آسیب‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام، ص ۱۱۷-۱۱۶

۷. همان، ص ۱۱۲

۸. همان، ص ۱۱۴

۹. همان

اسلامی و قرآنی و این دل‌های مؤمن را از هم بپاشند. شما این‌جا نشسته‌اید خیال می‌کنید که همین‌طور زندگی دارد می‌چرخد. نه آقا! یک جنگ است؛ یک جنگ حقیقی است الان بین این جامعه، این نظام، متفکران این نظام، فعالان این نظام در رده‌های مختلف، از جمله خود شما که مدّاح مجموعه‌ی کشور هستید از یک طرف، با یک طرف دیگر؛ کسانی که می‌خواهند ریشه‌ی این ایمان را از این خاک مقدّس و از این دل‌های پاک دریاورند؛ چون فهمیده‌اند آن نظامی، آن بنایی که بر این اساس شکل گرفته، با منافع سودجویانه و زورگویانه و زیاده‌خواهانه این‌ها سازگار نیست؛ با دست‌اندازی و سیطره‌طلبی دنیای استکبار بالآخره کنار نخواهد آمد؛ این را فهمیده‌اند. دنبال این‌اند که فکر توحیدی را، فکر ولایت را، محبت اهل‌بیت را، محبت به قرآن را، تعصب و غیرت نسبت به مبانی دینی و اعتقاد به مبارزه‌ی با ظالم را، اعتقاد به قبح و زشتی ظلم‌پذیری را از دل این مردم با انواع حيله‌ها بیرون بکشند. انواع و اقسامش را دارند انجام می‌دهند و آن را بیان هم می‌کنند».^۱

«شاخص‌ها مهم است. همیشه شیطان در میان جماعات اهل دین، از تحریف استفاده می‌کند و راه را عوضی نشان می‌دهد. اگر بتواند بگوید «دین را کنار بگذار»، این کار را می‌کند، تا از طریق شهوات و تبلیغات مضر، ایمان دینی را از مردم بگیرد. اگر آن ممکن نشد، این کار را می‌کند که نشانه‌های دین را عوضی بگذارد؛ مثل این‌که شما در جاده‌ای حرکت می‌کنید، ببینید آن سنگ‌نشان - آن نشانه‌ی راهنما - طرفی را نشان می‌دهد؛ در حالی که دست خائنی آمده آن را عوض کرده و مسیر را به آن طرف نشان داده است».^۲

«ما حالا می‌خواهیم این معارف را در مقابل چشم مردم دنیا قرار دهیم. من این‌جا، با تشکر از همه افراد و آحادی که در سال گذشته یک حرکت تحریف‌آمیز را از صفحه‌ی عزاداری عاشورا حذف نمودند، باز می‌خواهم بر روی همین قضیه تکیه کنم. عزیزان من... امروز حسین‌بن‌علی می‌تواند دنیا را نجات دهد؛ به شرط آن‌که با تحریف، چهره‌ی او را مغشوش نکنند. نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشم‌ها و دل‌ها را از چهره‌ی مبارک و منور سیدالشهدا علیه‌السلام، منحرف کند. با تحریف مقابله کنید».^۳

بنابر آن‌چه که گفته شد ملاحظه کردیم این که استعمار از تمامی ابزارهای ممکن در جهت ضربه زدن به اسلام و مسلمین استفاده می‌کند، و این در طول تاریخ به اثبات رسیده است.

۱. بیانات معظم‌له در دیدار مدّاحان و ذاکران اهل‌بیت علیه‌السلام به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها، ۱۳۸۶.۴.۱۴، www.khamenei.ir

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم الحرام، ۱۳۷۸.۱.۲۳، همان

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون و وعّاظ، در آستانه‌ی ماه محرم، ۱۳۷۴.۳.۳، همان

روزگار ما قرن بیداری و آگاهی است و هنگام شناخت کرامت انسانی فرارسیده است. شاعر و مدّاح این روزگار بار وظیفه‌ای سنگین بر دوش دارد. او می‌داند که باید استعداد خدادادی خود را بیهوده هدر ندهد، بلکه شایسته است که این سرمایه‌ی ارزشمند را در راه احیای حق و عدالت و مبارزه با ظلم و الحاد و ستایش انسان‌های الهی نقش داشته‌اند. پیشوایانی که برای گشودن بند جهل و نادانی از پای مردم جان خود را نثار کرده‌اند. مدّاح امروز باید قصور گذشتگان را جبران کند. آری قصور مدّاحان چاپلوس و آزمندی را که در ستایش صاحبان زر و زور و غاصبان حقوق انسانی، سخن خود را به حدّ غلو و اغراق رسانیده و نقش تاریکی از خود بر جای نهاده‌اند. هماهنگی شاعران و مدّاحان اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند چهره‌ی حوادث تاریخ را به روشنی نشان داده و ارزش حرکت انسان‌های حق‌طلب را بیان کند و به این وسیله در اصلاح جامعه بکوشد.^۱

۱. ذبیح‌الله، صاحب‌کاری، سیری در مرثیه‌ی عاشورایی، ص ۴۵-۴۴